

## دیدگاه: اخلاق - حرفه‌ای

احمد شریعتی

علم امروز یک فعالیت - حرفه‌ای است، و مانند - هر فعالیت - حرفه‌ای ی - دیگری فعالان اش ممکن است به کارهایی غیراخلاقی دست بزنند. خوب است سازوکار - سالم ی وجود داشته باشد تا جامعه ی - علمی این لغزش‌ها را کشف و آشکار کند. این کشف و قضاوت - حرفه‌ای در مورد - لغزش‌ها ی - اخلاقی در علم چند حُسن دارد. اوّل آن که اگر چنین سازوکاری وجود داشته باشد و جامعه به آن اعتماد داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که لغزش‌ها ی - اخلاقی ی - گروه ی از دانش‌پیشه‌ها به حساب - کل - جامعه ی - علمی گذاشته نشود. دوّم این که لغزش‌ها ی - اخلاقی گاه یک جنبه ی - قضایی هم دارند. در چنین مواقع ی، قضاوت بر عهده ی - دست‌گاه - قضایی است، اما قاعدتاً رأی - دست‌گاه - قضایی باید مبتنی بر یک نظر - کارشناسانه باشد.

در این نوشته می‌خواهم با گفتن - نظر - خود ام بحث در این باره را شروع کنم، به این امید که دیگران هم نظرهایشان را بنویسند و منتشر کنند تا کم‌کم موضوع در جامعه ی - علمی ی - ما جا بیفتد. در زیر به برخی از لغزش‌ها ی - اخلاقی در علم می‌پردازم. البته، آن چه فهرست می‌کنم صرفاً لغزش‌هایی است خاص - حرفه ی - دانش‌پیشه‌گی. لغزش‌ها یی عام هم هست که هر کس، در هر مقام ی ممکن است دچار اش شود (مثل - پارتی بازی) که چون خاص - حرفه ی - دانش‌پیشه‌گی نیست در این جا وارد - بحث - آنها نمی‌شوم. یادآوری ی - این نکته هم بد نیست که این بحث اخیراً در انجمن - فیزیک - ایران هم مطرح است.

• جعل - داده‌ها ی - آزمایش گاهی. در چند سال - اخیر در سطح - بین‌المللی موارد ی گزارش شده که دانش‌پیشه‌ای مقاله‌هایی نوشته است و در آنها مدعی ی - انجام - آزمایش یا ساختن - نمونه‌ای شده است با مشخصات ی استثنائی، و بعد معلوم شده که داده‌ها ی - مقاله جعلی است. این لغزش معمولاً به این ترتیب کشف می‌شود که دانش‌پیشه‌ها ی - دیگری می‌کوشند آزمایش - گزارش شده را تکرار کنند، و معلوم می‌شود که داده‌ها غلط است. اثبات - این که مدعی داده‌ها را واقعاً جعل کرده اغلب بسیار دشوار است. قضاوت در این باره باید بر عهده ی - تیم ی متخصص و بی‌طرف باشد.

فکر می‌کنم موارد - بسیاری هم هست که کشف نشده‌اند. نکته این جا است که تمام - موارد ی که

افشا شده، مواردی بوده که اگر درست می‌بودند اعتبار زیاد برای مدعی می‌خریدند، اعتبارها بی‌در حد جایزه‌ی نُیل. مواردی که من فکر می‌کنم هست اما افشا نشده، مربوط به مقاله‌ها بی‌است که حتاً در صورت درست بودن کشف‌ی فوق‌العاده نیست.

• درج نام - کسی که سهمی در پژوهش نداشته در فهرست پدیدآورنده‌گان - اثر. گاه این شخص که نام‌اش به فهرست اضافه می‌شود صاحب - مقامی است که می‌تواند پدیدآورنده‌گان - اثر را مرعوب کند. مثلاً ممکن است رئیس - یک مؤسسه‌ی پژوهشی پژوهش‌گران را وادارد نام - او را در همه‌ی مقاله‌ها بی‌که به اسم - آن مؤسسه می‌نویسند وارد کنند. به این ترتیب، نام - رئیس - آن مؤسسه در فهرست‌ها بی‌که مؤسسه‌ها -ی علم‌سنجی منتشر می‌کنند به عنوان - یک پژوهش‌گر - پُرکار درج می‌شود. چنین شخصی اگر بتواند مدتی به این گنجاندن - نام‌اش ادامه دهد، تبدیل می‌شود به یک «پژوهش‌گر - نمونه» -ی دروغین و بسیار ذی‌نفوذ. به هر حال، اگر گروهی از دانش‌پیشه‌ها مدعی باشند که دسته‌جمعی کاری انجام داده‌اند، اثبات - این که چنین نیست کاری است بسیار دشوار.

• خرید و فروش - مقاله یا پژوهش. این کار در سطحی پایین‌تر، در پایان‌نامه‌ها -ی کارشناسی -ی ارشد گویا هم خریدار و هم فروشنده دارد - این را از آگهی‌ها بی‌که در دانش‌گاه‌ها پخش می‌شود می‌توان فهمید، آگهی‌ها بی‌که اعلام می‌کنند «انجام - همه‌ی - مراحل - پایان‌نامه». در این مورد - خاص دو مرجع - رسمی -ی اعلام‌نظر هست: یکی استاد - راهنما -ی پروژه، و دیگری هیئت - داوران - جلسه‌ی دفاع - پایان‌نامه. می‌توان پرسید که اگر کسانی در این دو مقام دچار لغزش شوند چه باید کرد؟ و اصولاً چه طور می‌توان این لغزش‌ها را کشف کرد؟ به گمان - من، برخی از این لغزش‌ها را نمی‌توان در چیزی شبیه به دادگاه مطرح کرد و نظری قضایی درباره‌شان داد، اما می‌توان آن‌ها را در نشریات - حرفه‌ای نوشت و به بحث گذاشت، تا جامعه‌ی علمی خود به یک قضاوت برسد. البته این دو شرط دارد. اول این که جامعه به آن حد از بلوغ رسیده باشد که هر نوع نقدی را مصداق - توهین و افترا و بنا بر این یک جرم قلمداد نکند - فعلاً به گمان - من چنین نیست، به خصوص که این متقلّبین ممکن است ذی‌نفوذ هم باشند؛ دوّم این که منتقدین هر نوع توهین و افترا بی‌را نقد تلقی نکنند.

• در جوامعی که فعالیت‌ها -ی علمی -ی آن‌ها بیش‌تر و زنده‌تر از جامعه‌ی - ما است، یک لغزش - دیگر هم گاه دیده می‌شود، و آن این که شخصی که در مقام - داوری -ی مقاله‌ای قرار گرفته، با به تأخیر انداختن - گزارش‌اش موجب - تأخیر در چاپ - مقاله‌ی - رقیب، و احیاناً تسریع در چاپ - مقاله‌ای دیگر می‌شود. این لغزش فعلاً در جامعه‌ی - ما بی‌مورد است.

• ارجاع ندادن به مقاله‌ها بی‌که واقعاً مبنا -ی کار بوده‌اند، اما به ملاحظاتی - رقابتی به آن‌ها ارجاع داده نمی‌شود. این هم یک جور لغزش - اخلاقی است.

• استفاده‌ی غیرمجاز از داده‌ها و ایده‌ها‌ی دیگران، یا به بیان صریح‌تر دزدی‌ی داده‌ها یا ایده‌ها. ممکن است دانش‌پیشه‌ای به طریق‌ی به داده‌ها‌ی هم‌کاران‌اش دست‌یابد، و بدون اجازه‌ی ایشان از آن‌ها برای پژوهش‌اش استفاده کند و آن را منتشر کند. این موارد معمولاً با شکایت گروه‌ی که مدعی‌ی ربوده شدن داده‌ها پیش هست آشکار می‌شود. اما باید دقت کرد که ممکن است این گروه اخیر خود دچار لغزش‌ی اخلاقی شده باشد. بعضی وقت‌ها هم شخص از داده‌ها‌ی استفاده کرده که صراحتاً به او گفته نشده بوده که مجاز به این کار نیست. مثلاً ممکن است یک استاد دو دانش‌جو‌ی دکتری داشته باشد که در یک زمینه‌ی مشترک کار می‌کنند، و یک‌ی از آن دو از داده‌ها‌ی دیگری، که دوست‌اش هم هست، استفاده کند و مقاله‌ای بنویسد. یا ممکن است خود استاد از داده‌ها‌ی دانش‌جویش استفاده کند و مقاله‌ای بنویسد بی آن که نام‌ی از دانش‌جویش آورده باشد.

لغزش‌ی که هم‌اکنون بر شمریم، با دیگر لغزش‌ها یک تفاوت مهم دارد. بقیه‌ی لغزش‌ها موجب تولید علم کم‌ارزش و بی‌ارزش می‌شوند، اما این لغزش اخیر می‌تواند موجب تولید علم ارزش‌مند بشود. بگذارید مثال بزنم. فرض کنید امروز معلوم شود که فلان دانش‌پیشه‌ی برجسته (X) نظریه‌ای را که به نام نظریه‌ی X می‌شناسیم از فلان دانش‌پیشه‌ی دیگر (Y) دزدیده است. کشف این مطلب ممکن است نظر ما را درباره‌ی X عوض کند، اما در ارزش نظریه‌ای که امروز به نام نظریه‌ی X می‌شناسیم تأثیر ندارد.

لغزش خاص اشخاص و تیم‌ها‌ی پژوهشی نیست، ممکن است مؤسسه‌ها‌ی پژوهشی هم کارها‌ی بی‌بکنند که بتوان آن‌ها را مصداق لغزش اخلاقی دانست. به این سناریو‌ی خیالی توجه کنید: X یک پژوهش‌گر ایرانی‌ی مقیم فرنگ است. پس هیچ برهم‌کنش‌ی با پژوهش‌گران ایران ندارد (جز از طریق مقاله‌ها‌ی که می‌نویسد، که این خاص پژوهش‌گران ایرانی نیست). اما X در مقاله‌ها‌ی که می‌نویسد نام مؤسسه‌ی پژوهشی‌ی Y را که در ایران است، به عنوان مؤسسه‌ی وابسته، می‌نویسد. X هر دو سال یا سه سال یک بار به ایران می‌آید و از وزارت علوم مقداری جایزه می‌گیرد — به یاد بیاوریم که چند سال است وزارت علوم به نویسنده‌ها‌ی ایرانی‌ی مقاله‌ها‌ی فهرست ISI جایزه می‌دهد، مشروط بر این که در مقاله‌شان نام یک مؤسسه‌ی ایرانی را به عنوان مؤسسه‌ی وابسته نوشته باشند. به این ترتیب، با خرج وزارت علوم، X مقداری پول در می‌آورد، Y هم بدون هیچ خرجی تعداد مقاله‌ها‌ی در فهرست ISI بالا می‌رود، و از این طریق از دید مسئولین پژوهش ایران اعتبار‌اش بیشتر می‌شود، و به این ترتیب بودجه‌ی بیشتری جذب می‌کند و مدیران‌ش به عنوان مدیران موفق پژوهشی‌ی کشور شناخته می‌شوند. ضمناً نکته‌ی مهم این است که در چنین موردی اصولاً کسی هم از کسی شاکه نیست! وزارت علوم راضی است،

چون در فهرست ISI فهرست ایران طولانی‌تر می‌شود و از این طریق می‌تواند به جامعه اعلام کند که «با سیاست‌گذاری‌ها ی ما ایران در علم پیش‌رفت کرده است». X دست‌کم پول سفرش به ایران را در می‌آورد. Y هم، هم در جهان، هم در ایران معتبرتر می‌شود. در واقع، تنها کسانی که باید قاعداً شاکی باشند، دیگر مؤسسه‌ها ی پژوهشی و دانش‌گاه‌ها ی ایران اند که این کارنامه ی جعلی باعث رشد بی‌توجیه رقیب شان می‌شود. این‌ها هم به جا ی آن که شاکی باشند، دنبال X ها ی دیگر می‌گردند. (البته، مردم می‌توانند از مدیران پژوهشی شاکی باشند که چرا با پول ما به این طریق نادرست اعتبار واهی برای خود می‌خرید).

تا این جا موارد ی را که به گمان من مصداق لغزش اخلاقی اند بر شمردم. در این جا می‌خواهم یک مورد را هم نام ببرم که به گمان من آن را نباید لغزش اخلاقی دانست. فرض کنید X فیزیک‌پیشه ای است که در یک زمینه ی خاص کار می‌کند. X برای طولانی‌تر کردن فهرست انتشارات اش (که مبنای قضاوت مؤسسه‌ها و وزارت علوم است) شروع می‌کند به «مقاله‌سازی». منظور من از مقاله‌سازی این است که X یک کار را با وردش‌ها ی کم به صورت مقاله‌ها ی متعدد در مجله‌ها ی مختلف چاپ می‌کند و در سمینارها ی مختلف ارائه می‌دهد. آیا این کار غیر اخلاقی است؟ به گمان من نه. البته نمی‌گویم پسندیده است، و آن را تشویق نمی‌کنم؛ اما ضمناً فکر نمی‌کنم این کار غیر اخلاقی باشد. اگر کسی دقیقاً یک مقاله را در دو مجله ی مختلف چاپ کرده باشد، مشروط بر آن که هنگام ارائه اعلام کرده باشد که «این کار فقط به این نشریه داده شده است»، یعنی دروغ گفته باشد، آن وقت یک کار غیر اخلاقی انجام داده دروغ گفته. اما اگر مقاله‌ها دقیقاً مثل هم نباشند، آن وقت شخص حتماً دروغ هم نگفته. چنین شخصی فقط کار بی‌ارزش کرده. البته، این شخص با چند کار کم‌ارزش یا بی‌ارزش ممکن است ارتقاء بگیرد. این خوب نیست، اما مقصر، به گمان من، هیئت ممیزی ای است که به او ارتقاء می‌دهد.